

## مقتل شب هشتم محرم ۹۲۰ هیات میثاق با شهدا دانشگاه امام صادق علیه السلام

مقتل حضرت علی اکبر براساس نقل شیخ مفید:

الإرشاد شیخ مفید، ج ۲ ص ۱۰۶، مثير الأحزان ابن نما حلی: ص ۶۸، إعلام الوری طبرسی: ج ۱ ص ۴۶۴

وَلَمْ يَزَلْ يَتَقَدَّمُ رَجُلٌ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَيُقْتَلُ، حَتَّى لَمْ يَبْقَ مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِهِ خَاصَّةً. فَتَقَدَّمَ ابْنُهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَأُمُّهُ لَيْلَى بِنْتُ أَبِي مُرَّةَ بْنِ عُرْوَةَ بْنِ مَسْعُودِ الثَّقَفِيِّ - وَكَانَ مِنَ أَصْحَابِ النَّاسِ وَجْهًا، وَلَهُ يَوْمَئِذٍ بَضْعَ عَشْرَةَ سَنَةً، فَشَدَّ عَلَى النَّاسِ، وَهُوَ يَقُولُ:

أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ      نَحْنُ وَبَيْتُ اللَّهِ أَوْلَى بِالنَّبِيِّ

تَاللَّهِ لَا يَحْكُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعِيِّ      أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ أَحَامِي عَنْ أَبِي

ضَرَبَ غُلَامٌ هَاشِمِيٌّ قُرَشِيٌّ

فَفَعَلَ ذَلِكَ مَرَارًا وَأَهْلُ الْكُوفَةِ يَتَّقُونَ قَتْلَهُ، فَبَصُرَ بِهِ مُرَّةُ بْنُ مُنْقِذِ الْعَبْدِيِّ، فَقَالَ: عَلِيُّ آثَامُ الْعَرَبِ، إِنْ مَرَّ بِي يَفْعَلُ مِثْلَ ذَلِكَ إِنْ لَمْ أَتَكَلِّهُ أَبَاهُ، فَمَرَّ يَشْتَدُّ عَلَى النَّاسِ كَمَا مَرَّ فِي الْأَوَّلِ، فَاعْتَرَضَهُ مُرَّةُ بْنُ مُنْقِذٍ، فَطَعَنَهُ فَصُرِعَ، وَاحْتَوَاهُ الْقَوْمُ فَتَقَطَّعُوهُ بِأَسْيَافِهِمْ. فَجَاءَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى وَقَفَ عَلَيْهِ، فَقَالَ: قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُواكَ يَا بُنَيَّ، مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى الرَّحْمَنِ وَعَلَى انْتِهَاكِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ! وَانْهَمَلْتَ عَيْنَاهُ بِالْذُّمُوعِ، ثُمَّ قَالَ: عَلِيُّ الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَاءُ. وَخَرَجَتْ زَيْنَبُ أُخْتُ الْحُسَيْنِ مُسْرِعَةً تَنَادَى: يَا أُخِيَاهُ وَابْنَ أُخِيَاهُ، وَجَاءَتْ حَتَّى أَكْبَتَتْ عَلَيْهِ، فَأَخَذَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرَأْسِهَا فَرَدَّهَا إِلَى الْفُسْطَاطِ، وَأَمَرَ فِتْيَانَهُ فَقَالَ: اِحْمِلُوا أَخَاكُمْ، فَحَمَلُوهُ حَتَّى وَضَعُوهُ بَيْنَ يَدَيْ الْفُسْطَاطِ الَّذِي كَانُوا يُقَاتِلُونَ أَمَامَهُ.

ترجمه: یاران امام حسین علیه السلام یکی یکی پیش می آمدند و می جنگیدند و کشته می شدند تا آن که جز خانواده اش کسی با حسین علیه السلام نماند. آن گاه پسرش علی اکبر علیه السلام - که مادرش لیلا، دختر ابی مرّة بن عروّه بن مسعود ثقفی بود - قدم به میدان نهاد. او از زیباروی ترین مردمان و آن هنگام هجده - نوزده ساله بود. او به دشمن حمله برد و چنین خواند: من علی پسر حسین بن علی ام به خانه خدا سوگند که ما به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک تریم. و به خدا سوگند که پسر بی نسب (ابن زیاد) نمی تواند بر ما حکم براند. با شمشیر می زنم و

از پدرم حمایت می‌کنم؛ شمشیر زدنِ جوانِ هاشمیِ قُرشی. او این کار را بارها به انجام رساند و کوفیان از کُشتن او پروا می‌کردند که مُرّة بن مُنقذِ عبدی او را دید و گفت: گناهان عرب بر دوش من باشد اگر بر من بگذرد و چنین کند و من پدرش را به عزایش نشانم! علی اکبر علیه السلام مانند بار اول، بر دشمن حمله بُرد که مُرّة بن مُنقذ راه را بر او گرفت و نیزه ای به او زد و بر زمینش انداخت. سپاهیان، گردش را گرفتند و او را با شمشیرهایشان تکه تکه کردند. امام حسین علیه السلام به بالای سر او آمد و ایستاد و فرمود: «خداوند بکُشد کسانی را که تو را کُشتند ای پسر عزیزم! چه گستاخ بودند در برابر [خدای] رحمان و بر هتک حرمت پیامبر!». سپس اشک از چشمانش روان شد و فرمود: «دنیای پس از تو ویران باد!». زینب علیها السلام خواهر امام حسین علیه السلام به شتاب بیرون دوید و ندا داد: ای برادرم و فرزند برادرم! آن گاه آمد تا خود را بر روی [پیکر] علی اکبر علیه السلام انداخت. امام حسین علیه السلام سر او را گرفت و [او را بلند کرد و] به خیمه اش باز گرداند و به جوانان [خاندان] خود فرمان داد و فرمود: «برادرتان را ببرید!». آنان او را بُردند و در خیمه ای گذاشتند که جلوی آن می جنگیدند.

### غزل مرثیه

شاعر: سید حمید برقعی

پدر آرامش دنیا، پدر فرزند اَعْطینا

پدر خون خدا اما، پسر مجنون پسر لایلا

به کم قانع نبود اکبر، لبالب گشت از دلیر

به یکدیگر رسید آخر، لب رود و لب دریا

پسر دور از پدر می‌شد، مهیای خطر می‌شد

پدر هی پیرتر می‌شد، پسر می‌بُرد دلها را

در این آشوب طوفانی، مسلمانان مسلمانی!

مبادا اینکه قرآنی بیفتند زیر دست و پا

پسر زخمی، پدر افتاد، پسر در خون، پدر جان داد

پسر ناله، پدر فریاد، میان هلله، غوغا

پسر از زخم آکنده، پسر هر سو پراکنده

پدر چون مرغ پرکنده، از این صحرا به آن صحرا

که دیده این چنین گیسو چنین زخمی شود پهلو؟

و خاک آلوده تر از او به غیر از چادر زهرا

### زمینه

علی اکبرم ای علی اکبرم

عجب لاله گون خاک صحرا شده

جگر گوشه ام ارباً اربا شده

عدو شیشه عمر من را شکست

بین دیدنی اشک بابا شده

علی اکبرم ای علی اکبرم

بیوسم لب و روی پیغمبرت

چه شد یوسفم با تن اطهرت

چه گرگی تو را پاره پاره نمود  
نه پیراهنی مانده نه پیکرت

علی اکبرم ای علی اکبرم

به هر بزم و هر کوی و هر انجمن  
سرم خاک پای حسین و حسن

پدر در دو گوشم سرود این سخن  
که ای نازنین طفل دل‌بند من

حسینی بمان و حسینی بمیر  
امیری حسین و نعم الامیر

حسین از کرم انتخابم کند  
غلام غلامش خطابم کند

گدای در خود حسابم کند  
بهشتم برد یا عذابم کند

به عشقش اسیرم اسیرم اسیر  
امیری حسین و نعم الامیر

به زخم جبین پیمبر قسم  
به رخسار خونین حیدر قسم

به محسن به زهرای اطهر قسم  
به سبطین و عباس و اکبر قسم

به هفتاد و دو عاشق بی نظیر  
امیری حسین و نعم الامیر

### واحد شب هشتم محرم ۹۲

شاعر: محمد مهدی سیار

کمی روبرویم بمان تا / تماشا کنم قامتت را  
که تا لا اقل "ان یکاد"ی / بخوانم بر آن قد و بالا  
بمان ای همه شوق و ذوقم / که دلنتگ پیغمبرم من  
که سخت است و تلخ است و سنگین / ز دیدار تو دل بریدن

علی جان علی جان / برو سوی میدان

شده عید قربان / شده عید قربان

(الوداع، علی اکبر)

خدایا تو اینک گواهی / که من میفرستم به میدان  
همه خاطرات خوشم را / به سوز دل و چشم گریبان  
رخش آینه دار زهرا / قد و قامتش مثل حیدر  
سخن گفتنش، خلق و خلُقش / یکایک شبیه پیمبر  
خدایا در این دم / رود جانم از تن

سوی اینهمه گرگ / رود یوسف من

(الوداع، علی اکبر)

تحمل کن این تشنگی را / یل خسته تشنه کامم

که آبی بجز اشک حسرت / نمانده دگر در خیامم

خدایا مبادا که اسبش / کنون گم کند راه خود را

رود سوی اردوی دشمن / شود سرو من ارباً ارباً

من و دیده تر / تو و حرف آخر:

لبم گشته سیراب / ز دست پیمبر

(الوداع، علی اکبر)

دم پایانی هیات میثاق با شهدا دانشگاه امام صادق. محرم ۱۳۹۲

شاعر: محمد مهدی سیار و میلاد عرفان پور

سَید و مولا حسین، آرام دل‌ها حسین

زَمزمه‌ی عاشقان، یا حسین و یا حسین

ندارم غیر تو فکر و خیالی      بنفسی انت و اهلی و مالی

روضه‌های مقتل را، مثل باران می‌گرییم

در غم تو این شبها، با شهیدان می‌گرییم

اشک ما مرثیه خون فرات است      مولای ما قتیل العبرات است

با ولایت می‌مانیم، شور ما از عاشورا است

ای عاشقان بسم الله، راه قدس از کربلاست

تنها نگذارم در میدان، ولی را      مولایم رهبرم سید علی را

کل یوم عاشورا، کل ارض کربلا

وارث خون حسین، مهدی زهرا بیا

یار مظلومان کی میرسی از راه      العجل العجل یا حجة الله

### نجوا با امام زمان (عج)

هوای کهنه این شهر تازه دم کرده

گناهکاری مان “تُنزِلُ النَّقْمَ” کرده

“ظَلَمْتُ نَفْسِي” ما را شنید و دلبر گفت

امان ز نفس کسی که به خود ستم کرده

به شوق یوسف اگر چشم ما چو یعقوب است

هنوز گریه به درد فراغ کم کرده

به توبه‌های محرم قسم که شوق ظهور

فدائیان تو را با تو هم قسم کرده

هوای کرب و بلا جان تازه‌ام داده

دل حزین مرا راهی حرم کرده



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.